

دشمن شناسی در قرآن

جواد بختیاری

دشمن شناسی در همه میدانها، از مسائل اساسی و بنیادین حیات جامعه بشری به شمار می رود که به انسان بصیرت و شناخت لازم را می بخشد تا در راه رسیدن به هدف، دوست را به جای دشمن و دشمن را به جای دوست نگیرد. قرآن کریم، سنت و سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام، شیوهها و راههای شناسایی دشمنان و نیز معیارهای واقعی تمییز دوست از دشمن و مصادیق عینی دشمنان را به طور آشکار و روشن، بیان داشته اند که این نوشته به گونه ای اجمالی و گذرا از شیوه برخورد و مقابله با دشمنان به ویژه دشمنی یهود با پیروان آیین مقدس اسلام بر آمده است.

اقسام دشمنان در قرآن

قرآن کریم دشمنان اهل ایمان و مسلمانان را به چهار گروه اساسی تقسیم می کند: اولین گروه از دشمنان را شیطان و عاملان او معرفی می کند:

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾^۱

در حقیقت شیطان دشمن شماست، شما نیز او را دشمن بگیرید.

شیطان از اول کینه به دل داشت و موجب گرفتاری ابوالبشر حضرت آدم علیه السلام شد. قرآن کریم بارها با بیانهای گوناگون خطر جدی شیطان را گوشزد کرده می فرماید:

۱. فاطر، آیه ۶.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست.

دومین گروه از دشمنان اهل ایمان و مسلمانان، کفار و مشرکین می‌باشند:

﴿ إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴾^۲
هر آینه کافران هستند شما را دشمن آشکار.

شاید بعد از شیطان اولین دشمن در برابر دعوت توحیدی پیامبر اسلام ﷺ کفار و مشرکین مکه بودند.

سومین گروه از دشمنان اهل ایمان، منافقانند. قرآن کریم اهتمام زیادی به شناساندن چهره‌های آنان داشته است شاید به جهت خطر فوق العاده‌ای که از طرف منافقان به اسلام و مسلمانان متوجه است؛ اهمیت شناساندن منافقان به اندازه‌ای ضروری است که شاید به همین جهت «خواندن سوره مبارکه منافقین در نماز ظهر و عصر روز جمعه امری مستحب شمرده شده است».^۳ همچنین «خواندن آن را در نماز جمعه هم مستحب دانسته‌اند».^۴ زیرا سوره منافقین چهره نفاق را آن‌گونه که هست معرفی می‌کند. خداوند متعال در سیزده سوره و در بیش از سیصد آیه شگردهای منافقان و راه‌های مقابله با آنها را بیان فرموده است.^۵

چهارمین گروه از دشمنان اسلام و مسلمانان، برخی از اهل کتاب علی‌الخصوص یهود می‌باشند؛ قرآن کریم یهود را در دشمنی با اسلام و مسلمانان بر مشرکان مقدم داشته و می‌فرماید:

﴿ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ﴾^۶

۱. بقره، آیه ۲۰۸.

۲. نساء، آیه ۱۰۱.

۳. نک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵، چاپ ششم: انتشارات پیام، تهران ۱۳۶۶ هـ.ق.

۴. همان، ص ۲۰۳.

۵. احمد خاتمی، سیمای نفاق در قرآن، تنظیم از جواد پور روستایی، ص ۱۹، چاپ اول: انتشارات شفق، قم ۱۳۷۹.

۶. مائده، آیه ۸۲.

به طور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان راه، یهود و مشرکان خواهی یافت. چنان‌که صفحات تاریخ اسلام خود بزرگ‌ترین گواه بر دشمنی یهود با اسلام و مسلمانان علی‌الخصوص با نبی مکرم اسلام ﷺ هست. به همین سبب قرآن کریم در بیش از یکصد و چهل آیه به سرزنش و دشمنی و حيله‌هایی یهودیان پرداخته و مسلمانان را از آنان بر حذر فرموده است.

دشمن‌شناسی در قرآن

بصیرت و شناخت از اساسی‌ترین شاخص‌های رشد و کمال جامعه و فرهنگ دینی است. در جامعه دینی و اسلامی بصیرت و شناخت ضروری‌ترین شرط، برای دعوت به حق بیان شده است:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱

بگو این است راه من، که من هر کس (پیروم) کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.

چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب علیه السلام ریشه دشمنی را جهل و نادانی قلمداد کرده، می‌فرماید:

النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا^۲

مردم دشمن نادانی‌های خویشند.

اهمیت دشمن‌شناسی

یکی از مهم‌ترین وظایف هر مسلمان به ویژه در مکتب اسلامی، شناخت دشمن و راه‌های مقابله با مکر و حيله‌های اوست. که اگر انسان نسبت به او بصیرت و شناخت لازم نداشته باشد، چه بسا برای رهایی از یک دشمن به دشمنی دیگر پناه برد، که بالطبع موجب سرگردانی و شکست وی خواهد شد و از این جاست که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. یوسف، آیه ۱۰۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۲.

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَلَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا؛^۱
کسی که کاری را بدون بصیرت انجام دهد، دست‌آورد سرعت در انجام کار، چیزی جز دور شدن از هدف برایش نخواهد بود؛ همان‌طور که شخصی راهی را نشناخته برود هر چه بیشتر برود از مقصد دورتر می‌شود.

روشن است که امام در این روایت بصیرت را شرط اساس هر اقدامی دانسته است. همچنین امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید:

وَأَعْلَمُوا إِنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ، وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِشَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَلَنْ تَمَسُّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ؛^۲
هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت جز آن‌که ترک‌کننده (دشمنان) آن را بشناسید! هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آن‌که پیمان شکنان را بشناسید و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن‌که رهاکننده آن را شناسایی کنید.

ملاک دشمنی در قرآن

برای شناخت هر چه صحیح‌تر دشمنان، لازم است ملاک و معیاری را که قرآن کریم به آنها را معرفی فرموده به دست آوریم تا دشمن را بهتر و سریع‌تر بشناسیم.

تجاوز و تعدی

با بررسی آیات کریمه قرآن، این نتیجه به دست می‌آید که خداوند متعال در قرآن کریم تجاوز را به عنوان اصلی‌ترین ملاک و معیار دشمنی معرفی فرموده است؛ آیات ذیل به گونه‌های مختلف به این مطلب پرداخته‌اند:

الف. ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾؛^۳
(اما) خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما بجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارند با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

۱. کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۳، تهران: مؤسسه دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۳. ممتحنه، آیه ۸.

ب. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۱؛
به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت (جهاد) داده شده است چرا که
مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست.

ج. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۲؛
و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، ولی از اندازه در نگذرید،
زیرا خداوند تجاوز کاران را دوست نمی‌دارد.

با بیان این آیه روشن می‌شود که خداوند در مقابل کسانی که به حریم و حقوق
مسلمانان تجاوز می‌کنند اجازه جنگ و دفاع داده است گرچه این تجاوز در ماه‌های
حرام باشد. علاوه بر این اگر به ذیل آیه توجه شود که می‌فرماید:
از حد تجاوز نکنید خداوند تجاوزکنندگان را دوست نمی‌دارد.

به درستی درمی‌یابیم که تجاوزگران دشمن خداوند هستند. و از باب «تعرف الاشیا
باضدادها» چیزی که مورد محبت خداوند نباشد بالطبع مورد نفرت حضرتش می‌باشد.
لذا همین (تجاوزگری) ملاک دشمنی در قرآن و بینش اسلامی ما قرار گرفته است.

اقدامات عملی دشمنان اسلام

صرف بودجه برای خارج کردن مردم از مسیر توحید را این چنین توصیف کرده و
می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ
حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ»^۳؛

بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردم را) از راه
خدا بازدارند. پس به زودی (همه) آن را خرج می‌کنند، آن‌گاه حسرتی بر آنان
خواهد گشت، سپس مغلوب می‌شوند.

محاصره اقتصادی

یکی از حرب‌های همیشگی دشمنان برای جلوگیری از پیشرفت اسلام محاصره
اقتصادی است. بنابراین در صدر اسلام بعد از آنکه مشرکان مکه از کارشکنی‌ها و

۱. حج، آیه ۳۹.

۲. بقره، آیه ۱۹۰.

۳. انفال، آیه ۳۶.

تلاش‌های اهریمنانه خود نتوانستند بهره گیرند و نفوذ این آیین الهی را در دل‌های مردم کمتر کنند، بفکر نقشه‌ای دیگر افتاده و با محاصره اقتصادی و تحریم خرید و فروش و معامله با مسلمانان در پی نابودی اسلام و شکست مسلمانان برآمدند و در این راستا سران قریش، عهدنامه‌ای نوشته و به داخل کعبه آویختند و سوگند یاد کردند تا هیچ‌گونه خرید و فروش و معامله‌ای با هواداران پیامبر ﷺ انجام ندهند.^۱ خداوند متعال محاصره اقتصادی را یکی از جلوه‌های آشکار نفاق یاد کرده می‌فرماید:

﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَيَلَّهِ خِزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَقْهَهُونَ﴾^۲

آنان کسانی‌اند که می‌گویند به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق مکنید تا پراکنده شوند حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند.

آنان گمان می‌کردند، یاران پیامبر ﷺ در تنگنای اقتصادی دست از هدف و ایمان خود به خداوند و رسول خدا ﷺ برمی‌دارند و در اثر فشارهای مالی تسلیم آنان می‌شوند. غافل از آن که این یاران نمونه پیامبر اسلام ﷺ در شعب ابی‌طالب، با خوردن یک دانه خرما در شبانه روز زندگی کرده و چه بسا یک دانه خرما را به دو قسمت تقسیم و با آن روزگار می‌گذرانیدند.^۳

شایعه پراکنی و ترویج فرهنگ ابتدال

یکی از ویژگی‌های دشمنان اسلام جعل و پخش شایعات است که موجب غفلت و تزلزل روحیه عمومی شده، و جامعه اسلامی را به دلهره و اضطراب می‌کشاند و آنان را با اطلاعات و اخبار غلط و دور از واقع مردد ساخته و منشأ سلب اعتماد عمومی نسبت به کارگزاران و مسئولان می‌شود که نتیجه آن اختلاف در جامعه و تضعیف روحیه عمومی مسلمانان خواهد بود. نقش ویران‌کننده شایع پراکنی آن چنان خطرناک است که خداوند درباره آن به پیامبرش می‌فرماید:

۱. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۵۲ - ۳۵۳، چاپ ششم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۰.

۲. منافقین، آیه ۷.

۳. فروغ ابدیت، ص ۳۵۳.

اگر منافقان و کسانی که دل‌هایشان بیمار است و شایعه افکنان در مدینه، از کارشان باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز (مدتی) اندک در همسایگی تو نپایند.^۱

خداوند به این هم بسنده نکرده می‌فرماید:

﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا﴾^۲

از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد.

بهترین راه مبارزه با ترویج شایعات در جامعه این است که: اولاً؛ هر خبری که مؤمنان شنیدند تا به صحت آن اطمینان پیدا نکرده‌اند از نقل آن خودداری کنند. همان‌طوری که صادق آل محمد علیهم‌السلام می‌فرمایند:

كَفَى بِالْمَرْءِ أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ؛^۳

در دروغ‌گویی انسان همین بس که هر چه را شنیده بر زبان بیاورد.

زیرا تکرار و نقل شایعات به نوبه خود بهترین کمک به اهداف شوم دشمنان اسلام می‌باشد، که متأسفانه جامعه اسلامی به آن گرفتار است.

ثانیاً؛ مسلمانان برای کشف حقایق و خنثی‌سازی شایعات به منابع مطمئن مراجعه و پرده از واقعیت مسئله بردارند تا دشمنان را از رسیدن به اهداف شومشان مأیوس گردند.^۴

یکی دیگر از اقدامات عملی دشمنان اسلام ترویج فرهنگ ابتذال و رواج فساد و بی‌بند و باری در بین مسلمانان می‌باشد چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾^۵

برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا (مردم را) بی‌هیچ (دانشی از راه خدا گمراه کنند و) (راه خدا) را به ریشخند گیرند، برای آنان عذابی خوار کننده خواهد بود.

۱. احزاب، آیه ۶۰.

۲. احزاب، آیه ۶۱.

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴. سیمای نفاق در قرآن، ص ۱۲۵ - ۱۲۶.

۵. لقمان، آیه ۶.

شبهه افکنی و تزلزل در باورهای دینی

یکی دیگر از روش‌های دشمنان اسلام تضعیف باورهای دینی و تشکیک در اعتقادات مسلمانان و القاء شبهه در آنهاست. دشمنان در مواقع حساس و لحظات بحرانی با القاء شبهه بر مشکلات مسلمانان می‌افزایند و آنها را در راه مبارزه با دشمن دچار بحران روحی و روانی می‌کنند. در این باره خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾^۱
 هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند.

البته این شبهه افکنی مخصوص منافقان نبوده بلکه اهل کتاب هم این چنین شبهه‌هایی را برای گمراهی مسلمانان القاء کرده در ایمان آنان تردید ایجاد می‌کردند. قرآن کریم به این حيله و نیرنگ آنان این چنین تصریح کرده می‌فرماید:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ جَاءَ النَّهَارِ وَ كَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲

ای اهل کتاب چرا حق را به باطل درمی‌آمیزید و حقیقت را کتمان می‌کنید با اینکه خود می‌دانید و جماعتی از اهل کتاب گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شده ایمان بیاورید در پایان (روز) انکار کنید، شاید آنان (از اسلام) برگردند.»

الف) تبیین و روشنگری

سنت الهی همیشه بر این بوده که انسان‌ها را به راه سعادت و نیک بختی هدایت کند چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾^۳

همانا هدایت بر ماست.

بعثت پیامبران هم در راستای همین مسئله هدایت انسان‌ها و نجات از ضلالت و گمراهی بوده است چنان که در مورد بعثت پیامبر مکرم اسلام ﷺ چنین آمده است:

۱. احزاب، آیه ۱۲.

۲. آل عمران، آیه ۷۱ - ۷۲.

۳. لیل، آیه ۱۲.

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾^۱

اوست آن کس که در میان علم‌نیاموختگان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را به آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب حکمت بدیشان بیاموزد، و (آنان) قطعاً بیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

از این‌گونه بیانات، آشکار می‌شود که رهبران الهی، مسئله هدایت‌گری را همیشه مدنظر داشتند؛ حتی در هنگامه مواجهه با دشمن این اصل اساسی را فراموش نمی‌کردند. لذا خداوند متعال در قرآن کریم، گفت‌وگو و دعوت به حق را آغاز راه رسالت و اولین شیوه برخورد با دشمن می‌داند به همین جهت به پیامبر خود حضرت موسی علیه السلام دستور گفت و گوی ملایم با فرعون داده می‌فرماید:

﴿ادْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾^۲

به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته. و با نرمی سخنی گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

ب) رفق و مدارای توأم با هوشیاری و دوراندیشی

مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر نخعی چنین دستور می‌دهند:

و لَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَىٰ، فَإِنْ فِي الصُّلْحِ دَعَا لِيَجُودِكَ وَ رَاحَةً مِّنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِّبِلَادِكَ؛^۳

هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد.

پس در صورتی که گفت‌وگو موجب صلح شد باز هم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید:

وَ لَكِنَّ الْعَدْرَ كُلَّ الْعَدْرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلْحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رَبِّمَا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَ آتِهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ؛^۱

۱. جمعه، آیه ۲.

۲. طه، آیه ۲۳ - ۲۴.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۸۶.

زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافل‌گیر کند پس دوراندیش باش و خوش بینی را متهم کن.

هوشیاری و توجه به حرکات دشمن بعد از صلح هم لازم می‌باشد تا دشمن دیگر فرصت ضربه زدن به دست نیارد.

اما صورت دوم این‌که اگر گفت و گو موجب صلح نگردید، باز هم اسلام در مواردی دستور به تقیه و مدارا با دشمن داده است چنان‌که امام صادق علیه السلام تقیه را سپر مؤمن دانسته می‌فرماید:

التَّقِيَةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَالتَّقِيَةُ حِرْزُ الْمُؤْمِنِ؛^۲

تقیه سپر مؤمن است و تقیه وسیله حفظ مؤمن است.

همچنین قرآن کریم مؤمنان را از رابطه دوستی و انتخاب سرپرستی کافران به شدت نهی می‌کند تنها به صورت تقیه این عمل را تجویز نموده می‌فرماید:

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ

فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾؛^۳

مؤمنان نباید کافران را (به جای مؤمنان) به دوستی بگیرند، و هر که چنین کند، در هیچ چیز (او را) از (دوستی) خدا بهره‌ای نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کند و خداوند شما را از (عقوبت) خود می‌ترساند و بازگشت (همه) به سوی خداست.

پس در مواجهه با دشمن بعد از گفت و گو که به صلح نینجامیده؛ باز اسلام دستور جهاد و مبارزه فیزیکی نداده است، چنان‌که اولیا حتی در میدان نبرد دین آغازگر جنگ نبوده‌اند؛ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند عزیزش امام حسن مجتبی علیه السلام این چنین سفارش می‌کند:

لَا تَدْعُونَ إِلَى مَبَارَزَةٍ وَإِنْ دُعِيَ إِلَيْهَا فَاجِبٌ، فَإِنَّ الدَّاعِيَ إِلَيْهَا بَاغٍ، وَالْبَاغِيَ مَصْرُوعٌ؛^۴

کسی را به پیکار دعوت نکن، اما اگر تو را به نبرد خواندند بپذیر؛ زیرا آغازگر پیکار تجاوزکار، و تجاوز کار به یقین شکست خورده است.

۱. همان.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۱، چاپ پنجم: دارالتراث العربی، بیروت ۱۹۸۳ م.

۳. آل عمران، آیه ۲۸.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۳.

همچنان که در فرمان دیگری از امام علیه السلام پیش از رویارویی با دشمن در جنگ صفین باز به سپاهیان خویش چنین آمده است:

لَا تُقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدُؤَكُمُ^۱؛

با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند.

تلاش و آمادگی همه‌جانبه

انبیای الهی از آنجا که همیشه در تلاش و کوشش بودند تا انسان‌ها را هدایت کرده و به سرمنز سعادتمندان کنند، طبعاً در این راه دشمنان و کارشکنان داشتند، آن‌گونه که خداوند متعال در جهت تسلی و آرامش دادن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ﴾^۲؛

این‌گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم.^۳

یعنی اینکه این سنت جاری در میان انبیاء و امت‌هاست. و اصولاً «یکی از اصول مشترک بین انبیاء این است که همه آنها دشمن داشتند و دشمنان آنها تلاش می‌کنند تا اهداف آنان عملی نشود. خدای سبحان به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^۴؛

پیش از تو هیچ رسولی را اعزام نکردیم مگر این که گرفتار دشمن بود. تلاش و کوشش شیطان این بود که در آرمان‌ها، و اهداف و خواسته‌های او خلل وارد کند، و نگذارد خواسته او عملی شود.

هیچ پیغمبری مبعوث نشد که بدون رنج، خواسته خود را لباس عمل بپوشاند و اهدافش بدون زحمت محقق شود. همه تلاش شیطان (و دشمنان) این بود که اهداف آنان محقق نشود. و مبارزه آنان برای این بود که اهدافشان را محقق کنند.^۵

همچنین حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید:

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۸.

۲. فرقان، آیه ۳۱.

۳. المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۲۸۳.

۴. حج، آیه ۵۲.

۵. اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، ج ۶، ص ۸۹.

ما رَأَيْتُ مُنْذُ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ رَخَاءً!^۱

از هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ به پیامبری مبعوث شدند هیچ آرامش و آسایش نداشتم.

همچنین قرآن کریم در زمینه تلاش و آمادگی همه‌جانبه می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾^۲

هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این (تدارکات)، دشمن خدا و دشمن خودتان و (دشمنان) دیگر را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید.

در تفسیر این آیه شریفه در المیزان «منظور از «قوه» هر چیزی که ممکن است با آن عمل انجام داد آمده است.»^۳ بنابراین آیه دستور آماده باش همه‌جانبه مسلمانان در برابر دشمنان و تهیه هر نوع سلاح و امکانات و وسایل و شیوه‌های تبلیغی حتی نواختن سرود و دادن شعارهایی که موجب هراس کفار از نیروی و قدرت مسلمانان گردد، می‌دهد. حتی می‌توان گفت از این جمله آن چه در حدیثی آمده است که:

با خضاب کردن موی صورت، دشمن را بترسانید، تا نگویند سرباز اسلام پیر است.^۴

در روایات مصادیق مختلفی برای «قوه» بیان شده که نشان دستور آمادگی همه‌جانبه مسلمانان در مقابل دشمنان می‌باشد. از آن جایی که تهاجم دشمنان نمودهای مختلفی دارد؛ بنابراین آمادگی و مقابله هم باید متناسب با آن باشد. که در اینجا به سه گونه از آمادگی‌ها و مقابله‌ها اشاره می‌کنیم:

مقابله فرهنگی

گاهی دشمن برای ضربه زدن به پیکره نظام اسلامی و تضعیف روحیه مسلمانان از راه فرهنگی وارد می‌شود؛ یعنی به جای توپ و تانک و اسلحه، از قلم، بیان، فیلم و

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۸.

۲. انفال، آیه ۶۰.

۳. المیزان، ج ۹، ص ۱۱۷.

۴. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۶۶ - ۳۶۷، چاپ دوم: مؤسسه در راه حق، قم، پاییز ۱۳۷۶.

سینما و... استفاده می‌کند؛ که امروزه از آن به عنوان تهاجم فرهنگی یاد می‌شود. مفهوم فرهنگ یکی از مفاهیم وسیعی است که تعاریف گوناگون از آن شده است. که به صورت اجمال، «فرهنگ عبارت است از مجموعه مایه‌هایی که رفتار انسان را از حیوانات مشخص و ممتاز می‌سازد.» در هر فرهنگی؛ باورها، ارزش‌ها و رفتارها سه بخش اساسی آن را تشکیل می‌دهد. منظور از تهاجم فرهنگی آن است که جامعه‌ای تلاش کند تا فرهنگ خود را بر جامعه دیگری تحمیل نماید و نوعی دگرگونی در فرهنگ آن به وجود آورد.^۱

پیشینه تهاجم فرهنگی ریشه در تاریخ انبیاء الهی دارد؛ چنان که اشاره شد هر پیامبری دشمنی از مجرمان داشت و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾^۲

بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی، برای فریب یکدیگر، سخنان آراسته القا می‌کنند.

که جمله پسین آیه نمودی آشکار در تهاجم فرهنگی دارد. چه اینکه خدای متعال در کیفیت تشکّل جوامع و وجود عوامل حق و باطل در جامعه می‌فرماید که ما در جوامع انسانی یک گروه از انبیاء حق پرستان و مصلحان را قرار داده‌ایم و بر اساس یک تدبیر تکوینی الهی، عده‌ای از شیاطین انس و جن در مقابل آنها صف آرایی کرده‌اند. چون از نظر قرآن، هدف از آفرینش انسان این است که با اختیار خود راهی را انتخاب کند، زیرا ارزش انسان به انتخاب او بستگی دارد. در این آیه شریفه، به نوع فعالیت شیاطین و اصلی‌ترین کاری که انجام می‌دهند اشاره شده تا بدانیم که چه دشمنانی در کمین ما هستند و بدانیم که چگونه در مقابل آنان موضع‌گیری کنیم؛ آنان با حرف‌ها و سخنان زیبا و فریبنده به یکدیگر الهام می‌کنند که با آن سخنان زیبا و خوش ظاهر ولی بی‌مغز دیگران را فریبند.^۳

۱. نک: محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، تحقیق از عبدالجواد ابراهیمی، ص ۷۱، چاپ اول: مؤسسه امام خمینی (ره)، قم ۱۳۷۶.

۲. انعام، آیه ۱۱۲.

۳. تهاجم فرهنگی، ص ۸۱ - ۸۳.

راه‌های مقابله فرهنگی

ترویج سنت‌های نیکو و پسندیده در جامعه

برای این که بهتر بتوانیم در برابر تهاجم فرهنگی دشمن ایستادگی و مقاومت شایسته‌ای ابراز داریم می‌بایستی سنت‌های نیکو و پسندیده را در جامعه ترویج کنیم، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾^۱

هرکس کار نیکی بیاورد ده برابر آن (پاداش) خواهد داشت.

معرفی الگو

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله فرهنگی معرفی الگوهای مناسب برای جامعه می‌باشد؛ قرآن کریم به همین منظور، انبیاء، بویژه پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به عنوان الگو برای جامعه بشری معرفی می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۲

قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کسی که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

امر به معروف و نهی از منکر

راهکار سوم، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، اگر در جامعه روحیه پذیرش این فریضه الهی فراهم شود، و کسانی که زبان گویا و بیان زیبا دارند به این امر همت گمارند، دیگر فرهنگ بیگانه در جامعه رواج پیدا نمی‌کند. چون از طرفی خود جامعه پذیرش شنیدن تذکاراتی را دارد و از طرف دیگر در جامعه کسانی هستند که با مشاهده منکر به بیان ترک آن می‌پردازند. قرآن کریم امت پیامبر اکرم ﷺ را به همین جهت بهترین امت معرفی کرده می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۳

۱. انعام، آیه ۱۶۰.

۲. احزاب، آیه ۲۱.

۳. آل عمران، آیه ۱۱۰.

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید.

و معلوم است که این فریضه مهم و حساس الهی با چنین محوریت و تأثیرگذاری دارای مراتب و مراحل گوناگون با شرایط خاصی است که ضعیف‌ترین مرتبه آن کراهت و تنفر قلبی، و بالاترین آن، دست به اسلحه بردن و مبارزه فیزیکی تا حد کشتن و کشته شدن و دادن هستی خویش است.

ب) مقابله سیاسی و اقتصادی

چنان‌که اشاره شد یکی از برنامه‌ها و نقشه‌های استکباری دشمنان اسلام؛ محاصره اقتصادی است که به طور معمول با اهداف سیاسی و سلطه‌گری توأم می‌باشد. در این روش (سلطه سیاسی - اقتصادی) دشمن به جای لشکرکشی و جنگ و خونریزی تلاش می‌کند تا با انجام توطئه‌هایی، صحنه سیاسی را در یک کشور به نفع خود تغییر دهد و برای این کار، عناصری را از میان افراد آن کشور برمی‌گزیند و به آنان وعده‌های گوناگون می‌دهد و به تدریج در تمام تار و پود مدیریت جامعه نفوذ و در نتیجه به طور رسمی مزدور خود می‌سازد و بدین وسیله بزرگان حکومت و همه شئون آن کشور را زیر سلطه خود قرار می‌دهند. این همان سلطه سیاسی است که در نهایت اهداف اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد و چه بسا با سلطه اقتصادی توأم است.

از اینجا اهمیت مبارزه با تهاجم سیاسی و اقتصادی دشمنان و ضرورت دست‌یابی به علوم مورد نیاز و آشنایی با مکتب اهل بیت علیهم‌السلام روشن می‌گردد. لذا لازم است در نظام اسلامی کارگزارانی انتخاب شوند که از دو ویژگی یعنی تخصص لازم و تعهد به ارزش‌های دینی برخوردار باشند. قرآن کریم مکرر این دو اصل (تخصص و تعهد) را یادآور شده می‌فرماید:

﴿قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْأَجْنِ أَنَا أَتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾^۱
عفریتی از جن گفتم: من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می‌آورم و بر این (کار) سخت توانا و مورد اعتمادم.

اینکه فرمود: «إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيَّ أَمِينٌ» می‌توانم این کار را انجام بدهم توانش را دارم اما تنها قوه داشتن کافی نیست، باید امین بود، لذا قرآن فرمود: «لَقَوِيَّ أَمِينٌ»؛ هم نیرومندم و هم امین.^۱

گفتنی است که آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۲ شامل تمام مقابله‌ها و مبارزه‌ها می‌شود که یکی همان مسئله مقابله سیاسی و اقتصادی می‌باشد. شایان ذکر است که مقابله فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بحث تخصصی و جداگانه‌ای می‌طلبد که از حوصله و توان این نوشتار خارج است.

ج) برنامه‌ریزی و آمادگی دفاعی

یکی از متعارف‌ترین راه‌هایی که دشمنان در صدد کوبیدن اسلام و قلع و قمع مسلمانان در پیش می‌گرفتند پدید آوردن جنگ‌ها و حمله‌های گاه و بی‌گاهی بود که از سوی آنان علیه اسلام به وقوع می‌پیوست، به ناچار اسلام همان گونه که در منابع قرآنی و روایی آمده است مسلمانان را تشویق به مبارزه، دفاع و مقابله در برابر آنان می‌کردند. که آیات و روایات فراوانی در باب تکریم و تجلیل از مجاهدان و ارج نهادن بر شهیدان بهترین گواه می‌باشد.

نمونه‌هایی از این حرکت‌های نظامی را می‌توان در جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان مشاهده کرد که براساس کینه‌توزی و با استفاده از ضعف و تفرقه مسلمانان آغاز شد. صلیبیان که در دوران تاریک قرون وسطی عظمت اسلام را در آندلس و در قلب اروپا تحمل نکردند، با تحریک کلیسا بارها به سرزمین مسلمانان حمله و جنایات فراوانی را مرتکب شدند.^۳

اسلام در مقابل حملات نظامی دشمنان، احکام خاص دفاعی را برای مسلمانان مقرر فرموده:

﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾؛^۴

به کسانی که جنگ بر آنها تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست.

۱. اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، ص ۷۸.

۲. انفال، آیه ۶۰.

۳. تهاجم فرهنگی، ص ۴۰.

۴. حج، آیه ۳۹.

چنان‌که جنگ و پیکار را تا ریشه‌کن کردن فساد و بت‌پرستی دانسته می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ أَلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^۱

با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمگران روا نیست.

و در نهایت قرآن کریم آمادگی همه جانبه در مقابل دشمنان را لازم دانسته می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾^۲

هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این (تدارکات) دشمن خدا و دشمن خودتان و (دشمنان) دیگری را جز اینان - که شما نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید.

علامه طباطبائی در ذیل همین آیه می‌فرماید:

و اینکه فرمود: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ...﴾ امر عامی است برای مؤمنین که در مقابله دشمنان به قدر توانایی‌شان از تدارکات جنگی و آنچه را که احتیاج خواهند داشت تهیه کنند؛ چون در جامعه انسانی افراد و اقوام مختلفی که با طبایع و افکار متضادی هستند مجتمع یافته‌اند که بر یک روش استوار نیستند بنابراین جامعه‌ای با جامعه دیگری از جهت منافع در تضاد خواهند بود به همین جهت دیری نمی‌پایید که میانشان اختلاف سرگیرد و سرانجام شان به نزاع و مبارزه علیه هم انجامد که درصدد برآمدن غلبه بر دیگری باشند.

پس مسئله جنگ و جدال و اختلافاتی که منجر به جنگ‌هایی خسارت‌زا می‌شود امری است که در جامعه بشری گریزناپذیر می‌باشد. به همین سبب در قوای انسانی، ابزار دفاعی مانند غضب و تند شدن و نیروی فکری بر غلبه یافتن به کار گماشته شده است پس از ضروریات فطری است که جامعه اسلامی به طور دائم آماده و مجهز به وسایل جنگی باشد.^۳

۱. بقره، آیه ۱۹۳.

۲. انفال، آیه ۶۰.

۳. المیزان، ج ۹، ص ۱۱۷۰.